

آشنایی با يك كتاب ارزنده

در روزهای برگزاری جشن دوهزاروپانصدمین سال شاهنشاهی کورش بزرگ، سخنان ستایش آمیزی از کتاب ارزنده‌ی بنام «سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان» نوشته‌ی دانشمند پرمايه آقای رکن‌الدین همایونفرخ رئیس کتابخانه‌های پارکهای شهر به گوش می‌رسید که از سوی «هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور» به یاد برگزاری جشن باشکوه شاهنشاهی به چاپ رسیده و پخش شده است.

گفت‌وگوهای ستایش آمیز روی این زمینه بود که نویسنده بر کار و زبردست و ایران دوست، از دیدگاه فرهنگ و دانش خود ایران و پیشینه‌های روشنگر ایرانی به گذشته‌های سرافرازی آمیز ایران نگریسته، و رازها و ریزه‌کاریهای بسیار ارزنده و آموزنده‌ی از بار و برهوش و دانش ایرانیان پیشین در پی‌ریزی پایه‌های هنر و دانش و دبیره (خط) و نویسنده‌گی نمایان ساخته و رویهم رفته ایرانی را پیشگام این پدید آوریها و سازندگیها نشان داده است. با سخن دیگر، تیشه به ریشه پیروی کورکورانه از نویسنده‌گان کشورهای دیگر زده و لغزشهای گروهی از آنان را درباره‌ی ایران‌شناسی آشکار ساخته است.

در دنبال این گفت‌وگوها، در برخی از روزنامه‌ها هم دیدم که از این کتاب و ارزش آن سخن رفته و آنرا بنیکی ستوده‌اند. چون خود من هم دارای این راه و روش هستم و از دیدگاه فرهنگ ایران و یادگارهای بجا مانده از خود ایرانیان به گذشته‌های این کشور که نسال آریائی می‌نگرم و داوری و رایزنی پژوهنده‌گان کشورهای دیگر را درباره‌ی پیشینه‌های خانه‌ی همگانی خودمان یعنی سرزمین ایران کهن، چندان درست نمی‌دانم، از این روبه‌تکاپو افتادم این کتاب را به دست بی‌اورم و بخوانم و ببینم

این مرد میدان ماچه اندازه در این راه میهنی و فرهنگی دل و نیرو از خود نشان داده و چه کارهایی کرده است که این همه زبانزد ژرف بنیان شده.

پس از چند روز دوندگی کتاب را بدست آوردم. کتابی است بزرگ و سنگین در ۸۹۴ رویه با بهترین کاغذ و پوشه زرکوب (جلد زرکوب)

خواندم و خواندم و جلو رفتم. هر چند بیشتر میخواندم، با گفتارهای برجسته و ارزنده روبرو میشدم و به دریای دانش و موشکافی و بهره‌گیری نویسنده گرامی درود میفرستادم.

چون برگهای زیادی را زیر و رو کردم و باریک شدم، بر نامه سرباز پیروزر بخش بهرام‌یشت از اویستا به یادم افتاد که در آنجا پیروزی را مانند پرده نمایشنامه در پیکره‌های باد تند و شاهین و غوج و گوزن و اسب و شتر و گاو که نمودار نیرومندی هستند، مینمایاند و نشان میدهد که باید سربازان پاسدار میهن، دارای دل و نیرو باشند و ترس و دودلی را به خود راه ندهند تا از پیروزی خدا داده بهره‌مند شوند و پیروز گردند.

دیدم پهلوان داستان ما هم بنام پاسداری از گنجینه‌های دانشی ایران و نشان دادن لغزشهای دیگران، دل و نیرو از خود نشان داده و بخوبی روشن ساخته است که پیشینه کارنامه ایران و فرهنگ و هنر و نوشته آن، خیلی بالاتر از آن است که برخی از پژوهندگان یاد کرده‌اند و با ایرانیان را خوشه‌چین پنداشته‌اند.

یکی از آن رازها و ریزه کاریهای کتاب، زمان زایش و پیدایش شت زردشت است که بخش بزرگی از داستان دین و دانش ایرانی به دست وی پی‌ریزی شده. همه اویستاشناسان کشورهای دیگر و با اینکه بسیاری از آنان پافشاری دارند زمان او را پس از موسی نشان دهند و از این راه پیشینه فرهنگی ایران باستان را پائین بیاورند و دنباله رو آئین‌های دیگر بنمایانند. اما استاد همایون فرخ دوراندیش، در این باره

همان راهی را رفته که دانشمندان دیرین یونان در نزدیکی‌های سده پیش از مسیح رفته‌اند و زمان زردشت را شش‌هزار سال جلوتر از خود دانسته‌اند .
 پروفیسور جمشید کائراک که از دانشمندان بزرگ پارسیان هند است و بویژه اینکه در زبانهای آویستا و سانسکریت و پهلوی استاد میباشد ، کتاب سودمندی بنام (زمان زردشت) نوشته و گفته‌های این دسته از دانشمندان را با بسیاری از دست‌آویزهای استوار دیگر در آن کتاب آورده و روشن ساخته است که زمان این پیام‌آور باستانی ، هزاران سال جلوتر از موسی و نوح بوده و از زمان آدم تورات نیز که ۳۷۶۱ سال پیش از مسیح میباشد بالاتر میرود و نزدیک به هشتاد و پنج (۸۵) سده پیش میرسد که ۶۵ سده پیش از مسیح باشد .

گفته‌های برجسته کتاب همایونفرخ و ریزه‌کاریهای آموزنده و راهنمایی‌کننده آن کم و کوتاه نیست که بتوان آنها را در این گفتار و انمود کرد . باید خود کتاب را خواند و با شاهکارهای آن آشنا شد . و گرنه هر چه در اینجا بگویم و بنویسم ، داستان مستی از خروار و اندکی از بسیار خواهد بود . اما برای اینکه خوانندگان گرامی بدانند گفتارهای این کتاب رویهم رفته بر چه پایه است و از چه چیزهایی سخن میراند ، اینک فشرده‌ئی از آن را در اینجا می‌آوریم :

پایه و بنیاد این کتاب بر روی این گفت‌وگوها است که همه کجروی‌ها و تاریخ‌سازیه‌ها و آلوده‌اندیشی‌ها و لغزشهای بیگانگان را درباره پیشینه کارنامه و فرهنگ و هنر ایران از روی دست آویزهای استوار روشن سازد . در اینجا نشان میدهد کتاب آویستا از آغاز نوشته شده بوده است . نام عیلام را ساختگی و بی پایه نشان میدهد . سومریها را آریائی میدانند . نام آرامی را نوساز و بی پایه میخواند . ترجمه سنگ نبشته بیستون و سنگ نبشته بدست آمده از جزیره الفیل مصر را نادرست و لغزش آمیز مینمایاند و

میکوید: در آنها سخن از زبان و نوشته (خط) آریائی است نه زبان و نوشته آرامی. دیگر اینکه زبان آرامی زبان و گویش عبری است و چنین نامی را درباره گویشهای ایران به کاربردن، نادرست و ناروا میباشد. در این کتاب برای نخستین بار گفت و گو از آئین (دوه یسنه Dava yaena) به چشم میخورد که در کتابهای دیگر پیشینه ندارد. پژوهنده گرامی در بخش (دوه یسنه) یکی از کیشهای ناشناخته باستانی را می شناساند و ریشه نام خط را در زبان پارسی باستان و دیگر زبانها از آنجا میداند و بر پایه این پدیده نشان میدهد که آفریننده نوشته یا دبیره (خط) کسانی بوده اند که نامشان را بر آن نهاده اند. سپس به گفت و گوی زیاد درباره پیدایش دبیره در ایران میپردازد و از روی چیزهای بدست آمده وابسته به ۴۵۰۰ سال پیش از مسیح در کاوشهای کنونی، روشن میسازد که پایه و بنیاد دبیره در آغاز از سرزمین ایران بوده. در دنبال آن از پیشرفت این هنر سخن رفته است از دو گونه دبیره الفبائی در روزگاران پیش از فرمانروائی مادها یاد میکند که در ایران پیدا شده. یکی دبیره الفبائی میخی، دیگری دبیره الفبائی آریائی. دبیره الفبائی میخی برای نوشتن روی سنگها و فلزها بوده. دبیره الفبائی آریائی را با مرکب بر روی چرم و توز (پوست درختی است) می نوشته اند. سپس با ابریشم پارچه هائی برای نوشتن درست کرده اند که آنها را بنام دیبه یا دیبا خوانده اند. دبیره آریا همان است که از راه فنیقی ها به دیگر کشورهای راه یافته و در هندوستان ما در دبیره سانسکریت میباشد، پس از چند بار دگرگونی، از آن دین دبیره آویستائی و دبیره پهلوی اشکانی و سپس پهلوی ساسانی درست شده.

نویسنده کتاب، ۲۸ جور دبیره در ایران باستان را که همه از ریشه دبیره آریائی ساخته شده اند نشان میدهد. یکی از آنها بنام (هام آورائی) است که مادر دبیره نامزد به عربی است. یعنی همان دبیره ئی که در ایران و برخی از کشورهای دیگر به کار

میرود و با آنچه گفته شده، ریشهٔ ایرانی دارد. دربارهٔ نوشته‌های گوناگون پس از اسلام هم که در ایران بکار میرفته و پدید آورندگان آنها ایرانی بوده‌اند، بدرزا سخن رفته. نکتهٔ در خور ژرف بینی این است که دبیرهٔ نامزد به کوفی را پژوهندهٔ گرامی بنام (پیراموز) یاد کرده و آنرا ایرانی دانسته است.

اینها فشرده‌ئی بود از کتاب ارزندهٔ استاد همایون فرخ - تو خود حدیث مفصل بخوان ازین مجمل.

سوریه و مصر - این دو مملکت و خصوصاً اولی در اوایل قرن هفتم مسیحی یعنی چند سالی قبل از هجرت و بعد از آن میدان محاربات ایران و روم بوده هر دو مملکت که در قلمرو حکومت روم شرقی بود در آن زمان چند سالی در تصرف ایران ماندند یعنی سوریه و فلسطین قریب دوازده سال الی چهارده سال و مصر قریب ده سال جزو مستملکان ایران بوده و فقط در حدود سال ۶۲۷ مسیحی (سال ششم هجرت) باز به تصرف روم درآمد و بزودی بدست مسلمین افتاد. در مردم مصر مخصوصاً بعلمت تعصب در مذهب یعقوبی و کشمکش آنها از این حیث با مذهب رسمی روم (ملکائیه - ارتودوکس) و پاتریارک قسطنطنیه خصوصت شدیدی نسبت بروم پیدا شده بود بطوریکه اثر آن در استیلای عرب به مصر (که تقریباً بی زد و خورد مهمی صورت گرفت) و پیشرفت اردوی عمرو بن العاص بخوبی نمایان بود. (از پرویز تاجنیکیز)